بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای149

## چراغ هدایت - پاداش ایمان

**با کوچک‌ترین اتفاق در زندگی شروع به آه و نفرین می‌کند. چه بنده خدایی!**

\*\*\*

علامه مجلسی دختری با کمالات، مجتهد و فاضل داشت. روزی هنگام بالا رفتن از پله، افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. ساق پایش هم به سنگ تیزی برخورد کرد و استخوانش شکست. عده‌ای اطرافش جمع شدند تا به فریادش برسند. چیز عجیبی دیدند: دختر علامه می‌خندد! گفتند: «مگر درد نداشت؟» گفت: «چرا! درد که داشت.» پرسیدند: «پس چرا ناله نکردی و خندیدی؟» گفت: **«وقتی یاد ثواب‌هایی افتادم که خدا به خاطر تحمل این درد به من می‌دهد، آرام شدم و حالم از قبل هم بهتر شد.»[[1]](#footnote-1)**

**وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا[[2]](#footnote-2)**  
و خدا به‌زودی به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد.

پرسش:

خداوند به چه کسانی پاداشی بزرگ خواهد داد؟

کسانی که در سختی‌ها بی‌قراری می‌کنند.

به مؤمنان

به همه انسان‌ها

## ما و رسانه – داستان غضنفر

طبقه چندم یک ساختمان نیمه‌کاره مشغول کار بود که خبری بهش رسید: «غضنفر! خانمت دوقلو زاییده! بدو برو بیمارستان!» اصلاً نفهمید چه‌جوری یک طبقه را پایین آمد. ناگهان در ذهنش آمد: «خانم من که دوقلو در راه نداشت.» اعتنایی نکرد. انگار کرد حتماً چیزی بوده که خبر بهش دادند. یک طبقه دیگر که پایین آمد، فکر کرد: «خانمم بچه در راه نداشت.» باز توجهی نکرد. چند پله پایین‌تر با خودش گفت: «من که ازدواج نکرده‌ام اصلاً!» باز هم با عجله بیشتر به راهش ادامه داد. در همین عجله‌کاری پایش به آجری گرفت و با مغز به زمین خورد: «ای بابا! من که غضنفر نیستم!» این ماجرای بی‌خردی ماست در برابر چیزهایی که می‌شنویم. کمی فکر کردن هم بد نیست!

پرسش:

وقتی خبری به ما می‌رسد چه کنیم؟

اول از درستی و نادرستی‌اش مطمئن شویم.

به‌سرعت با آن شروع به حرکت کنیم.

هیچ توجهی نکنیم و کار خودمان را بکنیم.

## حکایت - گره کارگشا

یک روز که پیرمردی تهی‌دست به آسیاب رفته بود، دهقان مقداری گندم در دامن لباسش ریخت و پیرمرد گوشه‌های آن را به هم گره زد. در همان حالی که به خانه برمی‌گشت، با پروردگار از مشکلات خود سخن می‌گفت و گشایش آن‌ها را می‌طلبید و تکرار می‌کرد:

«ای گشاینده گره‌های ناگشوده، عنایتی فرما و گرهی از گره‌های زندگی ما بگشای.»

پیر مرد در حالی که این دعا را با خود زمزمه می‌کرد و می‌رفت، یک‌باره یک گره از گره‌های دامنش گشوده شد و گندم‌ها به زمین ریخت. به‌شدت ناراحت شد و رو به خدا شکایت کرد. تا نشست گندم‌های به زمین ریخته را جمع کند، در کمال ناباوری، دید دانه‌های گندم روی کیسه‌ای از زر ریخته است! پس متوجه فضل و رحمت خداوندی شد و متواضعانه به سجده افتاد و از خدا طلب بخشش کرد...

برگرفته از حکایات پروین اعتصامی

# پامنبری – کودک‌کشی، رسم جاهلیت!

کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام می‌دهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست‌ها در غزه انجام دادند. دو جنبه دارد: یکی اینکه جنایت است، نسل‌کشی است، قابل تعقیبِ بین‌المللی است، بچه‌ها را می‌کشند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، زیربناها را نابود می‌کنند، ثروت‌های ملی را در یک کشور از بین می‌برند؛ خب، این یک جنایت بزرگ است؛ این یک طرف قضیه است؛ طرف دیگر قضیه این است که سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به‌هیچ‌وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلیلش این است که توانایی‌های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا [است].

امام خامنه‌ای 20/1/94

## سیره خوبان - پاسدارِ معمولیِ پاسبخش

دامادم می‏گوید شب‏هایی که در خرمشهر مستقر بودیم، یک شب نوبت سیدمحمد بود که دو ساعتی پاس دهد، علی‌رغم وضع جسمی نامناسب عازم محل نگهبانی شد، در همان حال فردی از بچه‏‌های بسیجی با او هم‌کلام می‏شود. از او می‏پرسد: «جهان‏‌آرا کیست؟ تو او را می‏شناسی.» و سیدمحمد جواب می‏دهد: «پاسداری است مثل تو.» او می‏گوید: «نه، جهان‏‌آرا 45 روز است که با تعداد کمی نیرو، جلوی دشمن را گرفته است.» سیدمحمد جواب می‏دهد: «گفتم که او هم یک پاسدار معمولی است.» فردای آن روز، آن فرد برای گرفتن امضای برگه مرخصی‏‌اش راهی اتاق فرماندهی می‏شود. می‏بیند که او همان پاسدارِ در حال پاسِ شبِ گذشته است.

( به روایت پدر شهید )

## برای دوستم چی بفرستم – می‌زنم بوسه به ماه، می‌دهم تکیه به کوه

ما آن‌قدر درگیر بزرگ‌تر شدن خودمان هستیم که متوجه پیرتر شدن پدر و مادرهایمان نیستیم...

## تکاپو - اگه زرنگی، بخون...

هر وقت خواستید موضوعی را یاد بگیرید، قبل از آن نسبت به آن دیدگاه کلی پیدا کنید. پیش‌خوانی به معنی مطالعه کامل و دقیق نیست، بلکه به معنی مطالعه‌ نکات مهم و تیترهای اصلی است. این نگاه اجمالی سؤالاتی برای‌تان ایجاد خواهد کرد؛ به همین دلیل در کلاس فعالانه شرکت می‌کنید و در کلاس به دنبال پاسخ آن‌ها می‌گردید. این کار چند حسن دیگر نیز دارد:

1. اعتمادبه‌نفس: هنگامی که معلم در مورد موضوع تدریس سؤال می‌پرسد، با اعتمادبه‌نفس به آن پاسخ می‌هید.

2. یادگیری سریع و تثبیت: این کار به سرعت یادگیری شما کمک می‌کند و اگر این درس را برای بار دوم و سوم بخوانید، در ذهن شما بهتر تثبیت می‌شود.

3. گسترش ذهن: این پیش‌خوانی ذهن شما را بازتر می‌کند و فکر شما را پرورش می‌دهد و به شما انگیزه مضاعفی برای مطالعه کردن می‌دهد.

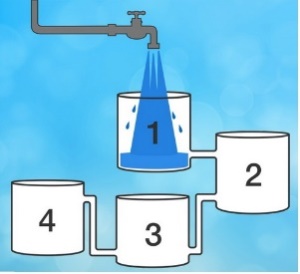
## درس و بحث – آب، اختلاس گری که سکه می‌خورد!

یک لیوان یا شیشه با دهانه گشاد را روی میز قرار دهید و آن را تا لبه از آب پر کنید، به نحوی که آب لبریز نشود و دیواره خارجی لیوان خشک بماند. حال، تعدادی سکه یا کلید را به‌آرامی داخل آب بیندازید.

خواهید دید که تعداد غیر قابل تصوری سکه در آب جای می‌گیرد، بدون آنکه آب از لیوان بیرون بریزد. در واقع کشش سطحی آب کمک می‌کند تا سطح آب برآمده شده و از لبه‌های لیوان هم بالاتر برود.

## چقدر باهوشی - کدوم یکی زودتر پر میشه؟

چهار ظرف آب داریم که به هم متصل هستند. شیر آب را باز می‌کنیم. آب با فشار ملایم درون ظرف اول می‌ریزد. آیا می توانید بگویید کدام ظرف قبل از بقیه، به صورت کامل پر خواهد شد؟ علت چیست؟!



پاسخ: ظرف سوم زودتر پر می‌شودT چون آب بعداز ورود به ظرف ۱و۲ ازآن خارج و به ظرف بعدی می‌رود، ولی ظرف ۳ تا پر نشود، آب از لوله بالا نرفته و به ظرف ۴ نمی‌ریزد.

## کتاب خوب - توجیه المسائل کربلا

توجیه‌ها و بهانه‌هایی برای با حسین نبودن! بهانه‌هایی که اگر دقت کنیم، زندگی امروز ما را هم فراگرفته و ای بسا اگر در زمان قیام حسین‌بن علی هم بودیم، به دلیل همین توجیهات در بهترین حالت امام‌مان را همراهی نمی­کردیم یا خدای‌ناکرده مقابل ولی خدا می­ایستادیم. در این کتاب به توجیهات سه گروه پرداخته می­شود:

• توجیهات کسانی که با امام همراه نشدند.  
• توجیهات کسانی که امام را ترک کردند.  
• توجیهات کسانی که مقابل امام ایستادند.

نویسنده: سید علی‌اصغر علوی، ناشر: سدید، تعداد صفحات: 164، قیمت: 8000

## دانستنی‌ها - ستاره بچینی... خوابای خوب ببینی!

رایحه‌های خوشبو به از بین بردن تنش‌ها، اضطراب‌ها و داشتن خوابی عمیق و راحت کمک شایانی می‌کنند.

افراد با استفاده از عصاره گیاهانی مانند بابونه و کُندُر می‌توانند خوابی عمیق و راحت داشته باشند؛ بوییدن رایحه بابونه موجب می‌شود که افراد بهتر بتوانند مشکلات زندگی خود را حل کنند. عصاره گیاه کُندُر هم خاصیت آرام‌بخشی دارد؛ این رایحه سبب می‌شود که ما عمیق‌تر نفس بکشیم و از نگرانی‌ها و اضطراب‌های روزمره رها شویم. رنگ بنفش ملایم عصاره گیاه کُندُر بر ضمیر ناخودآگاه ما اثر می‌گذارد و روح و روان ما را بیدارتر می‌کند.

## یادداشت اول - **خدا پول نیست!**

در دنیای امروز ما، سرمایه حرف اول را می‌زند. **سرمایه‌داری یعنی هرکه پولدارتر، انسان‌تر!** هر که پول بیشتری داشته باشد، حق بیشتری دارد! حق دارد قانون‌شکنی کند، چون پول دارد. حق دارد بیشتر تحصیل کند، چون پول دارد. حق دارد با تلاش کمتری، پول بیشتری دربیاورد، چون پول دارد. حق دارد...

**در جهان سرمایه‌داری، «خدا»، «پول» است. کسی می‌تواند به تو دستور بدهد که پول بیشتری داشته باشد.** همه در حال تلاشند که «پول» دربیاورند؛ چون انسانیت انسان‌ها به جیب‌شان شده است.

البته «پول» درآوردن خیلی هم کار خوبی است، اما «پول‌پرستی» به جای «خداپرستی» بد است. نکند درس خواندن‌هایمان، به جای این‌که برای «خدا» باشد، برای «پول» باشد.

**‌در چنین دنیایی که هدف‌ها کوچک و دم دستی شده، باید هر دقیقه حواسمان به این باشد که «پول» هدف نهایی‌مان نشود.**

## پرسش

در جهان سرمایه‌داری انسانیت انسان‌ها با چه چیز سنجیده می‌شود؟

با میزان عقل و درایت‌شان

با میزان علم و دانش‌شان

با میزان سرمایه و پول‌شان

## احکام - نماز مستحبی با وجود نماز قضا

فکر می‌کند نماز هم مانند روزه است و اگر نماز قضا داشته باشد، نمی‌تواند نماز مستحبی بخواند. اما این کار هیچ ایرادی ندارد.

متن دقیق رساله:

كسى كه نماز قضا دارد مى‏تواند نماز مستحبى بخواند.

توضیح المسائل امام، مسئله 1373

پرسش:

در صورتی که شخصی نماز قضا بر گردن داشته باشد، آیا می‌تواند نماز مستحبی بخواند؟

بله ایرادی ندارد.

خیر، باید اول نمازهای قضایش را ادا کند.

بله، اما کراهت دارد.

## اقتصاد مقاومتی - او می‌کشید و من می‌کشیدم

او می‌کشید و من می‌کشیدم؛ من از کارت بابام مثل سیب‌زمینی، او از کارت باباش پول نجومی! به هر حال، هرچقدر سعی می‌کردم از او زودتر برسم، نمی‌شد بی نور سرعت نور را داشت. منظورم پیامک خرید بود که به دست بابام می‌رسید که هر ماه پول تو جیبی‌ام با صورت حساب‌های آن خبرچین تنظیم می‌شد؛ اما امان از دل جعفر که نه تنها کلاغی برای پدرش خبر خرج‌های او را نمی رساند، بلکه مثل تراکتور درو می‌کند.

جریان را به پدرم گفتم تا فرجی شود، اما او گفت: **«این کار باعث می‌شود تو را از خرید و مصرف بی‌جا کنترل کنم تا وقتی بزرگ شدی، بتوانی دخل و خرج خودت را خودت داشته باشی.»**

1. ایمان، ج 2، ص 100 [↑](#footnote-ref-1)
2. نساء، 146 [↑](#footnote-ref-2)